

## اشعار سرگردان سلمان ساوجی

محسن شریفی صحی \*

### چکیده

کسانی که در تحقیقات خود با دواوین و جنگ‌های شعر سر و کار داشته‌اند، تأیید می‌کنند که در اغلب این متون، خلط اشعار شاعران می‌تواند باعث دشوار شدن تحقیق در متون ادبی شود. نه تنها در شماری از دیوان‌های تصحیح‌شده در دهه‌های پیش، بلکه در متون تصحیح‌شده در سال‌های اخیر نیز اشتباهاتی از جانب مصححان رخ داده که اغلب معلول کم‌دقتی آنها در شناسایی شعر و شاعر، و نتیجه آن، انتساب‌های نادرست بوده است.

در این مقاله، با انتخاب دیوان سلمان ساوجی و با بهره‌مندی از برخی نسخ دست‌نویس شاعر، اشکال و انحاء یکسانی‌ها در دیوان وی و شاعران دیگر، همراه با دلایل احتمالی آنها، بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: اشعار سرگردان، سلمان ساوجی، تصحیح، انتساب اشعار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۲

\* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی / mohsen.sharifi66@yahoo.com

## مقدمه

کار مصحح متون قدیم فقط این نیست که شکل صحیح واژه‌ای غلط یا مخدوش را بخواند و یا از بین ضبط‌های گوناگون، صورت صحیح کلمات، عبارات و جملات را طبق سبک و قلم مؤلف بازسازی کند؛ یا غبار دستکاری‌های متوالی کاتبان و صاحبان نسخ خطی در طی قرون را از چهره متون موجود بزداید و آن را به متن اصلی شاعر و نویسنده نزدیک نماید. همه این‌ها زمانی ارزشمند خواهد بود که مصحح با رجوع به منابع اصیل و دست‌اول، هویت متن و اجزای آن و صاحب آن را شناخته و شناسانده باشد و به منابع نامعتبر توجه نکند؛ بسیاری از اشعار ثبت شده و موجود در دیوان‌های شعری دست‌نویس و حتی چاپی، به علل مختلف با انتساب‌های نادرستی همراه است که دقت نظر مصحح را در امر نسخه‌پژوهی و متن‌پژوهی می‌طلبد. از این رو، بخش مهمی از نقش مصحح، پیش از ورود به کار تصحیح، باید شناسایی هویت اصلی شاعران این قبیل اشعار باشد (شریفی صحری، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

این جستار، نتایج تحقیقات نگارنده در اشعار مشترک سلمان و شاعران دیگر است که ضمن تصحیح دیوان وی به دست آمده است. به‌زعم نگارنده، این یکسانی‌ها و مشابهت‌ها، حداقل در نسخ دست‌نویس دواوین سلمان، به طرق زیر رخ داده است:

۱. اشعاری که در یک نسخه قدیم دیوان شاعر - و شاید نسخ دیگری که نگارنده ندیده - بر اثر اشتباه کاتب، به وی منسوب شده است.

۲. اشعاری که در چند نسخه قدیم دیوان شاعر - که همگی از یک مادر نسخه پیروی کرده‌اند - به علت اشتباه یک کاتب و پیروی کاتبان دیگر از وی، به شاعر منسوب شده است.

۳. اشعاری که در صحت آن به شاعر شکی نیست، اما در متون دیگر به نام دیگران نیز ثبت شده است.

توضیحات مفصل این موارد سه‌گانه، همراه با شواهد آن:

### ۱. اشعار مشکوک سلمان در نسخ دست‌نویس قدیم

هرچه سال کتابت نسخ دست‌نویس از زمان مرگ سلمان دور تر می‌رود، اشتباهات کاتبان و ناسخان و دخل و تصرف ایشان در افزایش اشعار منسوب به وی زیادتر می‌شود. اما نسخی

قدیم از اشعار سلمان نیز دیده شده که کاتب، گاه در انتساب اشعاری به وی، دچار اشتباه شده است؛ با این حال، دیگر از نسخ متأخر توقع چندانی نباید داشت. به مواردی از انتساب‌های مشکوک و نادرست در نسخ قدیم که در اشعار سلمان یافت شده، اشاره می‌شود:

۱) نسخه ش ۲۶۵۶ مجلس (کتابت: ۸۳۴ق) مشتمل بر دوازده دیوان از جمله گزیده‌ای از اشعار سلمان است. این نسخه مورد استفاده سلیم نیساری در تصحیح دیوان حافظ نیز بوده است (نک. نیساری، ۱۳۸۰: ۶۳). در این متن، غزلی از سلمان آمده که در نسخ دیگر دیوان وی وارد نشده است:

به جز از صورت آراسته چیزی دگر است      کآفت اهل دل و فتنه صاحب نظر است  
(مجموعه دوازده دیوان: ص ۱۵۱)

این غزل شش بیتی که بی تخلص سلمان آمده، در خلال غزلی ۱۱ بیتی در دیوان همام موجود است (همام تبریزی، ۱۳۵۱: ۶۸). این نسخه حاوی اشعار چند شاعر از جمله همام و سلمان است که احتمالاً کاتب را دچار اشتباه و خلط اشعار کرده است.

۲) نسخه دست نویس دیوان سلمان ساوجی به خط محمد صافی، با شماره ۵-۱۸۲۴۹ محفوظ در کتابخانه ملی (کتابت: ۸۴۳ق)، شش رباعی دارد که در نسخ دیگری که از سلمان در دست است، مشاهده نشده است (۱۹۱پ). ذکر این نکته ضروری است که اغلب این شش رباعی با سبک، زبان و ساختار فکری سلمان تناسب ندارد. مطالع این رباعی‌ها به شرح زیر است:

- \* دانی که چراست جنبش کون و مکان      وین تابش اختران و ادوار زمان
- \* شد نفس نبی مبدأ تفعیل جهان      در نفس ولی معنی کونین عیان
- \* در عشق بتان بی سر و سامان دل ما      ای کاش بدی درخور جانان دل ما
- \* از درد دمی مباد خالی دل ما      در کوی بلاست لایبالی دل ما
- \* از دوست به جز دوست نجوید دل ما      خاک سر کوی دوست شد منزل ما

\* از روز ازل عشق تو هم خانه ماست مهر رخ تو در دل دیوانه ماست  
در بررسی‌ها معلوم شد که این رباعیات از قاسم انوار است و در نسخ قدیم دیوان وی یافت می‌شود. از جمله در صفحات ۲۶۳ تا ۲۶۸ نسخه برلین (مورخ ۸۴۲ق) که پنج سال پس از درگذشت قاسم انوار تحریر یافته است. در مجموعه خطی ۱۳ رساله کتابخانه مجلس با ش ۲۸۱ (کتابت قرن نهم: ۱۶۶پ و ۱۶۷پ) در جمع اشعار قاسم انوار نیز دیده می‌شود.

(۳) نسخه شماره ۲۵۸۹ مجلس (کتابت قرن نهم)، حاوی دیوان اشعار سلمان است؛ کاتب در بخش رباعیات، چهار رباعی به سلمان نسبت داده که درست نیست (ص ۳۴۹)، با این مطالع:

\* آن یار که راحت دل و جان آمد در خانه بنده دوش مهمان آمد  
\* هجرت که به جان من درویش آمد گویی نمکی بر جگر ریش آمد  
\* از شعله عشق هر که افروخته نیست با او سر سوزنی دلم دوخته نیست  
\* دی دلبر من که فتنه‌سازی می‌کرد ما را به کرشمه جان‌گذاری می‌کرد  
چهار رباعی مذکور در بالا، عیناً در جمع اشعار امیر خسرو دهلوی به چشم می‌خورد؛ (امیر خسرو دهلوی، دیوان، میشیگان: ص ۸۴۷، ۸۵۰، ۸۵۱ و ۸۵۲؛ همان، مسکو: ص ۵۰۵).

کاتب نسخه، رباعی زیر را:

دی وقت سحر بلبل شوریده مست می‌آمد و بهر مژده جان بر کف دست  
هم به نام سلمان آورده (ص ۳۴۸) که در متون معتبری چون نزهة المجالس به نام مهستی گنجوی آمده است (شروانی، ۱۳۷۵: ۲۱۲). همین رباعی بی ذکر نام، در سفینه تیریز و پیش از رباعی دیگری از مهستی موجود است (تبریزی، ۱۳۸۱: ۶۱۲).

(۴) قطعه‌ای سه بیتی که تنها در نسخه ش ۴۶۶۷ آستان قدس رضوی (سلمان ساوجی، دیوان: ص ۳۳) ثبت شده است، با مطلع:

چار چیز است چو<sup>۱</sup> در سنگ اگر جمع شود لعل و یاقوت شود سنگ بدان زیبایی  
قطعه بالا به دیگران نیز نسبت داده شده است. این قطعه در دست‌نویس انیس‌الخلوة و  
جلس‌السلوة بدون نام سراینده آن آمده است (ملطوی، ۱۳۹۰: ۴۵۷). در تعلیقات کتاب  
انیس‌الخلوة که به صورت عکسی به چاپ رسیده، به منابع دیگری که قطعه فوق در آنها  
ضبط گردیده، اشاره شده است. به گفته نویسندگان تعلیقات، قطعه مزبور در جنگ ش ۹۰۰  
کتابخانه مجلس، مجموعه لطایف و سفینه ظرایف (اوایل سده نهم) بدون ذکر سراینده و در  
تذکره الشعراى سمرقندی به نام جلال عضد و در ریاض الشعرا به نام سید جلال‌الدین آمده  
است. این شعر، در مجموعه لطافت و منظومه ظرافت (مکتوب به سال ۸۲۷ق) به نام  
کمال‌الدین اسماعیل آمده است (ص ۴۴۸ الف، به نقل از بشری، ۱۳۸۵: ۶۹).

تنها دو نسخه انیس‌الخلوة و جلس‌السلوة و جنگ ش ۹۰۰ را می‌توان از نظر زمانی  
نزدیک به نسخه ش ۴۶۶۷ آستان قدس دانست. همان‌گونه که گفته شد، این قطعه در دو  
نسخه انیس‌الخلوة و جنگ ش ۹۰۰، بدون نام سراینده آمده است. با مراجعه به جنگ  
ش ۹۰۰ مشخص شد که قطعه فوق در حاشیه آن و به خطی جز خط کاتب اصلی کتابت  
شده است؛ یعنی به دلیل الحاقی بودن آن، وجود این قطعه در این نسخه ارزشی ندارد  
(جنگ ش ۹۰۰: ۴۹۹). دیگر منابعی که ذکر آن‌ها گذشت و قطعه مورد نظر را به جلال  
عضد و یا سید جلال‌الدین - که گویا مراد یک نفر است - نسبت داده‌اند، بی‌تردید پس از  
نسخه ش ۴۶۶۷ کتابت شده است. نگارنده قبلاً قطعه مزبور را از سلمان می‌دانست، اما با  
بررسی‌های بیشتر، آن را در بیاض تاج‌الدین احمد وزیر (کتابت: ۷۸۲ق) نیز ذیل «للسید  
جلال‌الدین» یافت که گویا همان جلال عضد است (تاج‌الدین وزیر، ۱۳۸۱: ۲۴۶).  
تاج‌الدین، راقم این مکتوب را «زاهد القیری» معرفی کرده است. تمام دست‌نویس القیری  
جز دو شعری که از شاه شجاع و سید جلال ذکر کرده، عربی است. تاریخ اتمام این نوشته  
همان‌گونه که در پایان آن آمده «ثامن عشر من شهر رجب المرجب سنه اثنتین و ثمانین و

سبعمائه» است و دلیلی محکم بر انتساب قطعه مورد نظر به جلال است، و به همین دلیل نمی‌تواند در زمره سروده‌های سلمان به حساب آید.

(۵) قطعه چهاربیتی با مطلع زیر در نسخه ش ۷۸۰۳ مجلس (سلمان ساوجی، دیوان: ص ۱۶۸) به ثبت رسیده است:

زن را ز حدّ چارده تا بیست سالگی      نظاره کن تمام که نظاره کردنی است

اما این شعر، یک سده پیش‌تر، در مونس الاحرار به نام انوری به ثبت رسیده است (جاجرمی، ۱۳۳۷: ۹۴۸) و در دو تصحیح موجود از دیوان انوری وجود ندارد.

(۶) غزل هفت‌بیتی با مطلع زیر در نسخه ش ۹۹۴ مجلس (سلمان ساوجی، دیوان: ص ۴۱۸) به نام سلمان درج شده است:

مرا آشفته می‌دارد سر زلف دل‌رامی      چو بلبل می‌کنم زاری ز سودای گل‌اندامی

نگارنده این غزل را در متنی نامعتبر به نام عبدالمجید تبریزی دید، ولی بنا بر تحقیق مصحح دیوان عبدالمجید، قوجه زاده، این غزل در نسخ دیوان وی در کتابخانه ملت استانبول (سده نهم)، حالت افندی (۹۵۰ق) و دانشگاه استانبول (۱۳۰۷ق) وجود دارد.

با این اوصاف، به اعتبار تک‌نسخه مجلس، نمی‌توان آن را به سلمان نسبت داد. سبب منسوب کردن شعر عبدالمجید به سلمان از جانب نسخه‌نویسان و کاتبان، مانند خلط شعر ملک محمود تبریزی و سلمان، می‌تواند ناشی از اقامت سلمان در تبریز و نشر اشعار وی در این خطه باشد.

(۷) غزلی با چهار بیت، و بدون تخلص در نسخه میشیگان (مجموعه: ص ۵۱۵) به نام سلمان آمده است، با این مطلع:

گرچه دل خون‌کنی از دست غمت نگریم      چون تو فریادرسی کوکه در او آویزم

این غزل نه به سلمان که متعلق به عراقی است و همراه با هشت بیت دیگر، با تخلص عراقی، در دیوان وی به ثبت رسیده (عراقی، ۱۳۷۵: ۲۴۷)؛ اقدام نسخی که آن را به نام عراقی درج کرده، نسخه کتابخانه جارالله است که در تاریخ ۷۳۱ق کتابت شده است (مجموعه، ش ۱۶۶۷: ص ۵۳).

## ۲. اشعار دیگران در چند نسخه از دیوان سلمان

اشعاری به نام سلمان ساوجی در نسخه‌های مختلف وجود دارد و در متون دیگر به شاعر دیگری منتسب شده است که احتمال انتساب آن‌ها به سلمان تقریباً صفر است. این اشعار با دلایلی که ذکر خواهد شد به متن دیوان راه نیافته است.

(۱) غزلی پنج بیتی با مطلع زیر، با استناد به نسخه‌های ش ۴۶۶۷ آستان قدس رضوی (سلمان ساوجی، دیوان: ص ۱۷۸) و ش ۹۹۴ مجلس (همان: ص ۴۲۱-۴۲۲) به سلمان منتسب شده است:

وقت نیامد هنوز کآورمت در کنار؟  
عمر به آخر رسید تا کی ازین انتظار

غزلی هشت بیتی که حاوی این پنج بیت است، در سفینه تبریز، تدوین شده در ۷۲۱ق به نام ملک محمود تبریزی، آمده (تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۹۹) و حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده چهار بیت از آن را به ملک محمود تبریزی نسبت داده است (مستوفی، ۱۳۸۷: ۷۵۲)، چنان‌که در فردوس التواریخ نیز به نام او آمده است (ابرقوهی: ج ۱۴۵/۳ پ). این شعر در مجموعه لطایف به نام قاضی عمده بدر درج شده است که به نظر انتساب صحیحی نباشد (سیف جام هروی، مجموعه...: ۳۳۱ پ). با توجه به تبریزی بودن ملک محمود و نیز اقامت چندین ساله سلمان در آن سامان، بی‌شک، به نحوی شعر شاعر تبریزی وارد مجموعه اشعار سلمان شده است.

(۲) رباعی معروف زیر در نسخه ش ۲۵۸۸ مجلس (سلمان ساوجی، دیوان: ۳۸۵ پ) و نسخه ش ۴۱۹۰ نورعثمانیه (همان: ۲۴۵ ر) ثبت است:

شاهها ادبی کن فلک بدخورا  
گر گوی غلط کرد به چوگانش زن  
که او چشم رسانید رخ نیکورا  
ور اسب خطا کرد به من بخش او را

این رباعی در دیوان معزی هست (۱۳۱۸: ۷۹۹) و در کتب تذکره نیز به نام وی به ثبت رسیده و از جمله در تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، به همراه حکایت معروف آن موجود است (۱۳۸۷: ۷۴۸-۷۴۹)؛ به همین سبب نمی‌توان آن را از سلمان دانست.

(۳) یک رباعی در نسخه ش ۲۵۸۸ مجلس (سلمان ساوجی، دیوان: ۳۹۲ ر)، نسخه

ش ۴۱۹۰ نورعثمانیه (همان: ۲۴۸پ)، نسخه ش ۷۴۲۰ مجلس (همان: ص ۵۲۹) - دست‌نویسی که مبنای کار ایرج افشار در انتشار دیوان کهنه حافظ بوده - موجود است که به سلمان منتسب شده است:

ای دل بر من مباش بی دلبر من      کان دل بر من به که دو صد دل بر من  
نه دل بر من بماند و نه دلبر من      یا دلبر من باید یا دل بر من  
این رباعی در کلیات شمس (مولوی، ۱۳۶۳: ۲۴۹/۸) نیز موجود است:

یا دلبر من باید و یا دل بر من      نی دل بر من باشد و نی دلبر من  
ای دلبر من مباش بی دل بر من      یک دل بر من به که دو صد دل بر من

مصاریح ۴، ۳، ۱ و ۲ سلمان متشکل از مصاریح یک تا چهار مولوی به ترتیب است. طبق گفته فروزانفر این رباعی در این نسخه‌ها آمده است: «عد» (نسخه کتابخانه اسعد افندی، مکتوب در اواخر ۷ و اوایل ۸)؛ «چت» (نسخه کتابخانه چستریتی، قرن ۷)؛ «خب» (نسخه کتابخانه بلدیة استانبول، کتابت رمضان ۷۲۳ق)؛ «مق» (کتابخانه قونیه، که تاریخش متأخرتر از ربع اول قرن ۸ نیست) (نک. فروزانفر، ۱۳۶۳: و-ی).

با توجه به قدمت نسخ خطی آثار مولانا محرز است که شعر مذکور از سلمان نیست و به همین دلیل از ثبت آن در دیوان سلمان خودداری کردم. قابل ذکر است که میرافضلی با رد انتساب این رباعی به ابوسعید و میرداماد - که این شعر به ایشان نیز منسوب است - با استناد به نسخه مورخ ۸۴۴ق نورعثمانیه، آن را از سلمان دانسته و انتساب آن را به مولانا در نظر نگرفته است (نک. میرافضلی، ۱۳۹۱: ۲۶۳).

۴) قطعه‌ای هشت بیتی با مطلع زیر، از طریق نسخه‌های ش ۵۹۸ کتابخانه مهدوی (جنگ: ص ۳۴۹)، ش ۳۱۳ میشیگان (سلمان ساوجی، دیوان: ص ۳۶۸) و نسخه ش ۹۹۴ مجلس (همان: ص ۳۰۴) وارد دیوان سلمان شده است:

آمد آن رگ زن مسیح پرست      نیش الماس را گرفته به دست

این قطعه به شاعران دیگری نیز منتسب است؛ در دیوان انوری به تصحیح مدرس رضوی، با شباهت بسیار به آنچه در نسخه مهدوی و نسخه مجلس آمده به نام انوری ثبت



شده است. مدرس در توضیحی سند انتساب این شعر را مجموعه‌ای مربوط به سال ۷۰۰ ق دانسته است (انوری، ۱۳۷۶: ۱۰۴۶). به گفته مدرس قطعه فوق به نام سنایی نیز آمده است. همچنین در دیوان عسجدی مروزی نیز چهار بیت آن آمده و گردآورنده اشعار عسجدی سند آن را لغت فرس اسدی عنوان کرده است (عسجدی، ۱۳۳۸: ۲۴). اما نفیسی (۱۳۳۵: ۲۲) در مقاله‌ای قطعه مزبور را از مخلدی گرگانی دانسته و سند آن را نیز نسخه لغت فرس اسدی (کتابت ۸۷۷ ق) ذکر کرده و البته گفته است که در نسخه دیگری از لغت فرس به نام عسجدی آمده است. نفیسی انتساب شعر مذکور به عنصری را نیز یادآور شده است، گرچه با بررسی دیوان عنصری مشخص شد قطعه مورد نظر در بین اشعار منسوب به وی آمده، اما به دلیل حضور آن در دیوان سنایی، دبیرسیاقتی آن را از سنایی دانسته است (عنصری، ۱۳۶۳: ۳۴۷). در واقع همان چهار بیتی که در دیوان سنایی آمده، در دیوان عنصری نیز موجود است (انوری، ۱۳۷۶: ۷۶۸-۷۶۹).

۵) رباعی زیر که در نسخ دست‌نویس دیوان سلمان، به ش ۳۹۴۵ ایاصوفیا (۴۰۱ ر)، ش ۴۶۶۶ آستان قدس (ص ۶۰۶-۶۰۷)، ش ۴۶۶۷ آستان قدس (ص ۲۷۵) و نیز نسخه ش ۲۵۸۹ مجلس (۳۴۸ ر) موجود است، از سلمان نیست:

دیشب سر زلف یار بگرفتم مست      کز دست من دلشده چون خواهی جست  
گفتا که شب است دستم از دست بدار      تا با تو نگیردم کسی دست به دست

این رباعی در نزهة المجالس، که پیش از نسخ دیوان سلمان مکتوب شده - به نام مهستی گنجوی (شروانی، ۱۳۷۵: ۶۱۰) آمده است:

دوشم بگرفت آن نگار سرمست      کز دست من دلشده نتوانی جست  
گفتم که شب است دستم از دست بدار      تا با تو نگیردم کسی دست به دست

همین رباعی با تغییراتی در سفینه تبری نیز ذیل نام مهستی آمده است:

دستم بگرفت آن نگار سرمست      کز دست من دلشده نتوانی جست  
گفتم که شب است دستم از دست بدار      تا با تو نگیردم کسی دست به دست

(تبریزی، ۱۳۸۱: ۵۹۸)

### ۳. انتساب اشتباه اشعار سلمان به شاعران دیگر

اشعاری در نسخ دیوان سلمان موجود است که در احتمال صحت انتساب آن‌ها به وی تقریباً شکی وجود ندارد اما در متون مختلف به نام شاعران دیگر نیز به ثبت رسیده است. برخی محققان مانند خانلری و نیساری، پیش‌تر رباعیات و غزلیات مشترک سلمان با حافظ را - عموماً در تصحیح دیوان حافظ - معرفی کرده‌اند که به تکرار آن نمی‌پردازم. ایضاً نگارنده در مقاله دیگری، به چرایی درج دو غزل سلمان در دیوان امیرخسرو دهلوی پرداخته و مکرر نمی‌کند (نک. شریفی صحی، ۱۳۹۹: ۱۸۴).

اشعار زیر، با دلایلی که در پی می‌آید، در شمار اشعار سلمان است:

۱) غزلی هفت بیتی با مطلع زیر وارد دیوان سلمان شده است. این شعر در نسخه ش ۳۸۵۷ کتابخانه ایاصوفیا (مجموعه دواوین: ۶۵۰ر)، نسخه ش ۵۴۹ مهدوی (جنگ: ص ۴۶۲)، نسخه میشیگان (سلمان ساوجی، دیوان: ص ۴۷۹) و نسخه ش ۲۵۸۸ مجلس (همان: ص ۳۲۹) مجلس موجود است:

نگارینا به صحرا رو که بستان حله می‌پوشد  
به شادی ارغوان با گل شراب وصل می‌نوشد  
این غزل در نسخه ۴۱۹۰ کتابخانه نورعثمانیه (کتابت: ۸۴۴ق) نیز آمده است (نک. ساوجی، ۱۳۸۹: ۳۱۹). اما قدیم‌ترین نسخه‌ای که تا کنون غزل مذکور را به سلمان منتسب کرده، نسخه ش ۳۸۵۷ کتابخانه ایاصوفیا (کتابت: ۸۱۶ق) است. در بیت پایانی این نسخ نیز تخلص سلمان آمده است:

وگر سلمان میان باغ بوی زلف تو یابد  
به دل مه‌رت خرد حالی به صد جان باز نفروشد  
همین غزل با اندک اختلافاتی در چاپی جعلی از دیوان خاقانی - که به گفته گردآورنده آن، نسخه‌اش در سال ۷۶۳ق کتابت شده<sup>۲</sup> - دیده می‌شود (نک. خاقانی: ۱۳۷۵: ۳۵۱) و در تصحیح عبدالرسولی از دیوان خاقانی هم وارد شده است (خاقانی، ۱۳۸۹: ۷۳۷)؛ اما

---

۲. نحوه چاپ نسخه سال ۷۶۳ق از دیوان خاقانی بسیار مشکوک و مبهم است. جهانگیر منصور، گردآورنده این نسخه، دلیل عدم چاپ عکسی از نسخه را نداشتن اجازه از طرف صاحب نسخه ذکر کرده و حتی در توصیف کاغذ نسخه مزبور، تنها به گفتن «حنایی کمرنگ»! بسنده کرده است.

وی نسخ مورد استفاده خود را معرفی نکرده و مشخص نیست غزل مورد نظر در کدام نسخه او و مربوط به کدام سال بوده است. این غزل که تخلص خاقانی را ندارد دارای هشت بیت است و بیت بالا که حاوی تخلص سلمان بود در آن به این صورت آمده است:

وگر باد صبا در باغ بوی زلف تو یابد      به دل مهرت خرد حالی به صد جان باز نفروشد

غزل مذکور در نسخ قدیم دیوان خاقانی موجود نیست و در تصحیح سجادی که نسخه اساس آن مربوط به سال ۱۳۶۴ ق. به قول او اقدم نسخ دیوان خاقانی - مشاهده نمی شود (خاقانی، ۱۳۷۴). در عوض، ضبط غزل در نسخ دیوان سلمان با تخلص او همراه است و به نوعی غزلی شناسنامه دار است؛ به همین دلیل نگارنده این غزل را از آن سلمان می داند.

۲) در مقاله ای تحت عنوان «اشعاری نویافته از جهان ملک خاتون» به قلم جواد بشری، غزلی با مطلع زیر به جهان ملک خاتون منتسب شده است:

خنده ای زد دهنش تنگ شکر پیدا کرد      سخنی گفت لبش لؤلؤ تر پیدا کرد

این غزل در دیوان جهان ملک خاتون موجود نیست و بشری سند انتساب غزل فوق به جهان ملک را جنگ مونس العشاق و تحفة الآفاق (کتابت: ۱۸۶۰ ق) معرفی کرده است. به گفته وی، این غزل در برگ ۱۲۵ ب جنگ مزبور و «بلافاصله پس از غزل دیگری از جهان ملک که پیش از آن آمده، یعنی غزل ۴۹۰ دیوان چاپی، با عنوان وله قرار گرفته است و با آن که در هیچ منبع دیگری به نام جهان ملک ثبت نشده است لزومی ندارد عجالاً در انتساب آن به شاعر تردید کنیم. علی الخصوص که در بیت ماقبل آخر آن، لفظ جهان به همان سبکی که شاعر با آن بازی می کند، دیده می شود» (بشری، ۱۳۸۸: ۷۴۳). اما غزلی که بشری با ذکر سند به جهان ملک خاتون منتسب کرده، بند اول ترکیب بند معروفی از سلمان ساوجی است که تقریباً در تمامی نسخ دیوان وی به ثبت رسیده است. به احتمال زیاد، بشری نیز اشتباه کاتب جنگ مونس العشاق را مرتکب شده و تنها به صرف دیدن لفظ «جهان» در شعر مزبور - که تخلص جهان ملک خاتون است - آن را به نام وی ثبت کرده است.

۳) غزلی از سلمان، با مطلع زیر، در دیوان عراقی به تصحیح نفیسی نیز درج شده است:

کشید کار ز تنه اییم به شیدایی      ندانم این همه غم چون کشم به تنه ایی

این غزل نه در دیوان عراقی و نه در دیوان سلمان تخلص ندارد، اما تقریباً در تمام نسخ دست‌نویس دیوان سلمان ساوجی آمده و مثلاً در نسخ ش ۳۶۷۶ تبریز، ش ۲۵۸۷ کتابخانه مجلس (۶۵۹) و ش ۱۱۸۴۲ کتابخانه مرعشی (۲۷۴) قابل مشاهده است. اما سعید نفیسی نیز این شعر را، با استناد به دو منبع نه‌چندان مشخص، به نام عراقی آورده (عراقی، ۱۳۷۵: ۳۰۰) و منابع خود را چنین معرفی کرده است: «سفینه اشعاری که در قرن هشتم تدوین شده و سفینه دیگری که در آغاز قرن نهم گردآوری کرده‌اند» (نفیسی، ۱۳۷۵: ۳۳). لذا با عنایت به درج غزل در اغلب نسخ دیوان سلمان، و نبود آن در تصحیح انتقادی نسرین محتشم از دیوان عراقی، انتساب آن را به سلمان، قوی‌تر و محتمل‌تر می‌دانم.

۴) قطعه‌ای دو بیتی در دو دست‌نویس دیوان سلمان ساوجی در کتابخانه آستان قدس، به شماره‌های ۴۶۶۶ (ص ۳۴۷) و ۴۶۶۷ (ص ۳۳) و نیز نسخه ش ۲۵۸۸ کتابخانه مجلس (ص ۲۵۶) بدین صورت آمده است:

امارت بر سلیمان شد مقرر وزارت بر نجیب دنگ حیران  
امید خیر چون دارند قومی که آتش آصف است و این سلیمان  
همین قطعه با تغییراتی در کتاب مطلع السعدین به نام «مولانا الیاس قلندر» به ثبت رسیده است:

امارت بر سلیمان شد مقرر وزارت بر نجیب دنگ حیران  
فلک زان رو همی گوید جهان را که اینک آصف و آنک سلیمان  
(عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۵۳: ۳۱۳)

با توجه به سال تولد و مرگ نویسنده کتاب مذکور (۸۱۶-۸۸۷ق) و مقایسه آن با تاریخ نسخ خطی ذکر شده که قطعه بالا در آن‌ها به ثبت رسیده است، به این نتیجه می‌رسیم که ضبط قدیم آن در نسخ خطی ثبت شده و سراینده آن نیز سلمان است و لذا عبدالرزاق سمرقندی در انتساب آن به «مولانا الیاس قلندر» اشتباه کرده است. اما خواندمیر صورت واقعه و چگونگی سرایش این قطعه را چنین گزارش کرده است:

چون سلطان ویس در دارالسلطنه تبریز رایت ایالت برافراخت، سلیمان نامی را امیرالامرا و خواجه نجیب‌الدین را که برادر امیر شمس‌الدین زکریا بود وزیر ساخت و مولانا الیاس

قلندر که با آن دو صاحب منصب در مقام عداوت بود در هجو ایشان این قطعه نظم نمود:  
امارت بر سلیمان شد مقرّر وزارت بر نجیب دنگ حیران  
فلک زان رو همی گوید جهان را که اینک آصف و آنک سلیمان

(خواندمیر: ۲۵۳۵، ۳۳۷-۳۳۸)

۵) غزلی با مطلع زیر در نسخه ش ۲۵۸۸ (سلمان ساوجی، دیوان: ص ۳۸۰-۳۸۱) آمده که در نسخه مکتوب به سال ۸۴۴ق که اساس تصحیح وفایی قرار گرفته نیز وجود دارد: آمد آن خسرو خوبان جهان از باکو می کند قصد جهانی و ندارد باک او (ساوجی، ۱۳۸۹: ۳۹۵)

دهخدا بیت بالا را در لغت نامه به عنوان شاهد آورده و سراینده آن را طبق دو منبع مورد استفاده خود، ساغری ذکر کرده است (دهخدا: ذیل «بادکوبه»). دو منبع مذکور، فرهنگ آندراج و انجمن آرای ناصری هستند (شاد، ۱۳۳۵: ۵۲۳؛ هدایت، ۱۲۸۸: ذیل «بادکوبه»). همچنین بیت مزبور ذیل «باکو» نیز آمده است و دهخدا این بار بدون معرفی سراینده، آن را از شرفنامه منیری بر گرفته است (دهخدا: ذیل «باکو»). همین شعر، در مجموعه ش ۴۰۷۱ کتابخانه فلاح استانبول که احتمالاً در اواخر سده نهم و اوایل سده دهم تحریر یافته، به نام علی دُردزد استرآبادی نیز به ثبت رسیده است (نک. بشری، ۱۳۹۷: ۱۱۰).

۶) دو غزل با مطالع زیر در اغلب نسخ قدیم دیوان سلمان موجود است. همچنین در برخی دوآوین چاپی امیرخسرو دهلوی (۱۳۸۰: ۵۳۱ و ۴۹۰) و دست نویس های دیوان وی، چون نسخه مورّخ ۸۹۵ق کتابخانه اسعد افندی (امیرخسرو دهلوی: ۲۸۵ و ۲۶۲)، و برخی دست نویس های متأخر دیوان وی نیز موجود است:

آنکه از جان دوست تر می دارمش گر مرا بگذاشت من نگذارمش  
یارب این ماییم از آن جان و جهان افتاده دور سایه وار از آفتابی ناگهان افتاده دور

اما این اشعار، در بهترین دست نویس های اشعار سلمان چون نسخه سده هشتم تبریز (ص ۴۹۴ و ۳۵۸)، نسخه مورّخ ۷۹۴ق مجلس (ص ۶۰۰ و ۵۸۶)، نسخه مورّخ ۸۰۴ق مرعشی (ص ۲۳۸ و ۲۳۳)، نسخه مورّخ ۸۲۶ق آستان قدس (ص ۵۳۰ و ۵۲۱) و بسیاری

از نسخه‌های دیگر دیوان سلمان، به نام وی آمده و احتمال نسبت آن‌ها به سلمان، بسی پیش‌تر از امیر خسرو دهلوی است.

(۷) رباعی زیر که در اغلب دست‌نویس‌های دیوان سلمان چون نسخه‌ش ۲۵۸۷ مجلس (۴۷۳پ) و ش ۱۱۸۴۲ مرعشی (۲۷۸پ) موجود است، به نام ابوسعید ابوالخیر نیز به ثبت رسیده است:

از بس که شکست و باز بستم توبه      فریاد همی کند ز دستم توبه  
دیروز به توبه‌ای شکستم ساغر      و امروز به ساغری شکستم توبه  
سعید نفیسی در انتساب رباعی بالا به ابوسعید ابوالخیر، منبع آن را ذکر نکرده و آن را به شکل زیر و با شماره رباعی ۵۸۵ ثبت کرده است:

از بس که شکستم و بستم توبه      فریاد همی کند ز دستم توبه  
دیروز به توبه‌ای شکستم ساغر      و امروز به ساغری شکستم توبه

او در تعلیقات سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر گفته است:

این رباعی در دیوان سلمان چاپ بمبئی ص ۲۳۳ چنین آمده است:

ای بس که شکست و باز بستم توبه      فریاد همی کند ز دستم توبه  
دیروز به توبه‌ای شکستم ساغر      و امروز به ساغری شکستم توبه

(نفیسی، ۱۳۳۴: ۱۵۸)

(۸) قطعه‌ی هزلیه‌ی زیر که به نام عبید زاکانی مشهور شده، اما در اکثر نسخ دیوان سلمان به چشم می‌خورد. علاوه بر نسخه‌ی ش ۳۶۷۶ کتابخانه ملی تبریز (ص ۳۳۰)، دو نسخه‌ی کتابخانه آستان قدس (ش ۴۶۶۶: ص ۳۴۷؛ ش ۴۶۶۷: ص ۹۱) و سه نسخه‌ی کتابخانه مجلس (ش ۲۵۸۸: ص ۲۶۹؛ ش ۹۹۴: ص ۳۴۵؛ ش ۷۸۰۳: ص ۱۶۴) نیز دارای این قطعه هستند. کاتب نسخه‌ی تبریز آن را ذیل «در هجو جهان ملک بنت مسعود شاه» آورده است:

وزیرا جهان قعبه‌ای بی‌وفاست      تو را از چنین قعبه‌ای ننگ نیست؟  
برو کس فراخ دگر را بنخواه      خدای جهان را جهان تنگ نیست

اما در تذکره دولت‌شاه حکایتی موجود است حاوی اشعاری به نام سلمان و عبید که به جهت اهمیت موضوع قسمتی از آن نقل می‌شود:

گویند که خواجه امین‌الدین که در عهد شاه ابواسحاق، وزیر با قدر و منزلت بوده، جهان  
خاتون را به نکاح خود درآورد و خواجه عبید در آن باب گوید: وزیرا جهان ... الخ.  
خواجه سلمان در حق عبید این قطعه می‌گوید:

جهنمی و هجاگو عبید زاکانی      مقرر است به بی دولتی و بی دینی  
اگرچه نیست ز قزوین و روستازاده است      ولیک می‌شود اندر حدیث قزوینی

(سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۹۰)

اولاً هر دو قطعه مذکور، در اکثر نسخ دیوان سلمان وجود دارد؛ ثانیاً قطعه دوم یعنی «جهنمی و هجاگو...» در نسخ دیوان سلمان شکلی دیگر و زبانی گزنده‌تر از هجویه بالا دارد، اما صراحت آن در اشاره به عبید زاکانی کم و تنها محدود به نسبت قزوینی بودن اوست:

جهنمی زنک زن ادیب غر خواهر      مشابه است به بی دولتی و بی دینی  
خر است و جاهل و پوسیده ژاژ می‌خاید      ولی چه سود که بیچاره نیست قزوینی

به نظر می‌رسد دولت‌شاه یا دیگران برای ساختن حکایت منقول - که حکایتی دیگر نیز در تذکره در پی آن آمده است - در قطعه مورد نظر تغییراتی داده باشند. اما وجود قطعه: «وزیرا جهان...» در اکثر نسخ دیوان سلمان و نبودن آن در دیوان عبید، نگارنده را در انتساب آن به سلمان متقاعد کرد.

۹) رباعی زیر در نسخی چون نسخه ش ۲۵۸۸ مجلس (سلمان ساوجی، دیوان: ۳۹۱ر)، نسخه ش ۴۱۹۰ نورعثمانیه (همان: ۲۵۰پ) و نسخه ش ۷۴۲۰ مجلس (همان: ص ۵۳۱) به نام سلمان به ثبت رسیده است؛ اما در تذکره دولت‌شاه (۱۳۸۲: ۲۸۸-۲۸۹) به عبید زاکانی منتسب است:

در علم و خط و شعر مشو صاحب فن      تا نزد عزیزان نشوی خوار چو من  
خواهی که شوی شهره ارباب زمن      کنگ آور و کنگری کن و کنگره زن

طبق حکایتی که در تذکره دولت‌شاه آمده است، عبید قطعه بالا را در پی ناراحتی از بار

نیافتن به محضر شاه ابواسحاق، به دلیل حضور دلچکی که شاه را به خود مشغول کرده بود، سروده است. این حکایت نیز همانند مثال قبل، بر ساخته ذهن صاحب تذکره است. از این رو، این رباعی را باید از سروده‌های سلمان دانست.

(۱۰) رباعی زیر:

زلف سیهت که بر مهت می‌پوید      در باغ رخت سنبل و گل می‌بوید  
بر دوش تو سر نهاده اندر گوشت      احوال پریشانی ما می‌گوید

تقریباً در تمام دست نویس‌های دیوان سلمان که در اختیار نگارنده قرار داشته، وجود دارد؛ از جمله در اقدم منابعی چون نسخه ش ۳۶۷۶ تبریز (ص ۵۱۴) و نسخه ش ۲۵۸۷ مجلس (ص ۶۸۳).

این رباعی در متن بیاض تاج‌الدین احمد وزیر به نام کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی آمده (تاج‌الدین وزیر، ۱۳۸۱: ۴۳۲) و محمدرضا ضیا آن را، با استناد به بیاض و بدون آن که متذکر انتساب آن به سلمان شود، در ضمن مقاله‌ای به نام کمال اسماعیل آورده است (ضیا، ۱۳۹۱: ۱۳۶) و سپس تر در تصحیح رباعیات کمال، با استناد به کتاب جنگ رباعی، آن را از سلمان دانسته است (کمال اسماعیل، ۱۳۹۹: ۸۳).

با عنایت به این‌که این رباعی در بسیاری از نسخ قدیم دیوان سلمان درج شده، بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، حتی با در نظر گرفتن قدمت آن (۷۸۲ق) - که اتفاقاً هم‌دوره با نسخ قدیم دیوان سلمان تحریر یافته - در انتساب این شعر به کمال وزنی نخواهد داشت و به‌زعم نگارنده هم سراینده آن سلمان ساوجی است.

(۱۱) رباعی زیر:

گفتم به لب‌ت که تو سراسر نمکی      گفتا تو چه دانی نمکم تا نمکی  
گفتم که درین مدینه هستی تو رسول      گفتا که محمدم ولیکن نه مکی

در نسخه ش ۴۱۹۰ نورعثمانیه (۲۴۹پ) و نسخه ش ۷۴۲۰ مجلس (ص ۵۳۰) به نام سلمان آمده است و به اعتبار بعضی دست‌نویس‌های متأخرتر از دو منبع فوق، به نام شاه‌نعمت‌الله ولی نیز مشهور است (نک. شاه‌نعمت‌الله ولی، دیوان، ش ۱۳۴۸۴ مجلس):



ص ۳۰۴؛ همان، ش ۱۴۳۰۸: ص ۳۶۲؛ همو، ۱۳۹۱: ۶۶۰). با عنایت به قدمت منابعی که رباعی بالا را به نام سلمان آورده‌اند، و نیز عدم ثبت آن در نسخه‌های اصلی ده‌گانه از دیوان سلمان، می‌توان دست کم آن را در ملحقات رباعیات او جای داد.

ناگفته نماند که پیش از ثبت این رباعی در منابعی به نام سلمان و شاه‌نعمت‌الله ولی، مضمونی مشابه آن در مونس الاحرار جاجرمی وارد شده است:

آنی که به لطف تو سراسر نمکی      چون بر گل تازه برچکیده نمکی  
جز شیر ز پستان لطافت نمکی      پیغمبری ای دوست ولیکن نه مکی  
(جاجرمی، ۱۳۳۷: ۱۱۶۵-۱۱۶۶)

۱۲) در اقدم دست‌نویس‌های دیوان سلمان، مانند نسخه‌ی ش ۳۶۷۶ تبریز (ص ۵۰۹)، و نسخه‌ی ش ۲۵۸۷ مجلس (ص ۶۷۱) رباعی زیر ثبت شده است:

ای آن که تو طالب خدایی به خود آ      از خود بطلب کز تو جدا نیست خدا  
اول به خود آ چون به خود آیی به خدا      که اقرار نمایی به خدایی خدا  
این رباعی نیز، همانند مثال قبل، به اشتباه به شاه‌نعمت‌الله ولی منسوب شده است (شاه‌نعمت‌الله ولی، دیوان، ش ۱۳۴۸۴ مجلس: ص ۲۹۱).

## منابع

- امیر خسرو دهلوی (۱۳۸۰). دیوان. تصحیح اقبال صلاح‌الدین. با مقدمه محمد روشن. تهران: نگاه.
- انوری ابیوردی، اوحدالدین محمد بن محمد (۱۳۷۶). دیوان. به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- بشری، جواد (۱۳۸۵). «جنگ‌ها، سفینه‌ها و تذکره‌ها: مجموعه لطافت و منظومه ظرافت (جنگ محمود شاه نقیب؛ نسخه خطی کتابخانه دانشگاه کمبریج)». نسخه پژوهی، ش ۳: ۵۲۱-۵۹۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). «اشعاری نویافته از جهان ملک خاتون». پیام بهارستان، دوره ۲، س ۱، ش ۳: ۷۴۰-۷۶۶.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). «غزل‌هایی از دُرْدزد استرآبادی». پابریگ ۱۶، آینه پژوهش، س ۲۹، ش ۱۷۴: ۱۰۱-۱۳۲.
- تاج‌الدین وزیر، احمد بن محمد (۱۳۸۱). به تصحیح علی زمانی علویجه. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- تبریزی، ابوالمجد محمد بن مسعود (۱۳۸۱). سفینه تبریز، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه شورای اسلامی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جاجرمی، محمد (۱۳۳۷). مونس الاحرار فی دقائق الاشعار. به اهتمام میرصالح طبیبی. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۷۴). دیوان. به تصحیح ضیاءالدین سجادی. تهران: زوار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). دیوان. به کوشش جهانگیر منصور. تهران: نگاه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). دیوان. به کوشش علی عبدالرسولی. تهران: سنایی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۲۵۳۵). دستور الوزرا. با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. تهران: اقبال.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا، ج ۳. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
- ساوچی، سلمان (۱۳۸۹). کلیات دیوان. به تصحیح عباسعلی وفایی. تهران: سخن.
- سمرقندی، دولتشاه (۱۳۸۲). تذکرة الشعرا. به اهتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- شاد، محمد پادشاه (۱۳۳۵). فرهنگ آندراج، ج ۱. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام.
- شریفی صحی، محسن (۱۳۹۷). «نقد و بررسی دیوان اشعار شهاب‌الدین عمیق بخارایی». گزارش میراث. ش ۸۴-۸۵: ۱۲۹-۱۳۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹). «بررسی اشعار سعدی و امیرخسرو دهلوی در دیوان جهان‌ملک خاتون و معرفی اشعار نویافته او». زبان و ادب فارسی. زبان و ادب فارسی (دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز). س ۷۳، ش ۲۴۲: ۱۷۷-۲۰۷.
- شروانی، جمال‌الدین خلیل (۱۳۷۵). نزهة المجالس. به تصحیح محمدامین ریاحی. تهران: علمی.
- ضیا، محمدرضا (۱۳۹۱). «اشعار نویافته کمال اسماعیل». آینه میراث. ش ۵۰: ۱۳۳-۱۵۱.
- عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین (۱۳۵۳). مطلع السعدین و مجمع البحرین. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: طهوری.
- عراقی، فخرالدین ابراهیم (۱۳۷۵). دیوان. به تصحیح سعید نفیسی. تهران: سنایی.

- عسجدی مروزی (۱۳۴۸). دیوان. به تصحیح و تحشیه شهاب طاهری. تهران: ابن سینا.
- عنصری بلخی (۱۳۶۳). دیوان. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه سنایی.
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۶۳). مقدمه ← مولوی.
- کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (۱۳۹۹). دیوان (غزلیات و رباعیات). تصحیح و تحقیق محمدرضا ضیاء. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۷). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- معزی نیشابوری، محمد (۱۳۱۸). دیوان معزی. به سعی و اهتمام عباس اقبال. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ملطوی، مسافر بن ناصر (۱۳۹۰). انیس الخلوة و جلیس السلوة (نسخه برگردان دست‌نویس شماره ۱۶۷۰ کتابخانه ایاصوفیا - استانبول). به کوشش محمد افشین وفایی و ارحام مرادی. تهران: مجلس.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۳). کلیات شمس، ج ۱ و ۸. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: امیرکبیر.
- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۹۱). «رباعیات از نظر افتاده سلمان ساوجی». آینه میراث: ش ۵۰: ۲۶۴-۲۵۱.
- شاه‌نعمت‌الله ولی (۱۳۹۱). دیوان. با مقدمه سعید نفیسی. تهران: نگاه.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۲۸۸). فرهنگ انجمن آرای ناصری. تهران: چاپ سنگی.
- همام تبریزی (۱۳۵۱). دیوان. به تصحیح رشید عیوضی. شماره ۱۸ سلسله متون فارسی. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- نفیسی، سعید (۱۳۳۵). «مخلدی گرگانی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۴، ش ۱: ۱۸-۲۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). مقدمه ← عراقی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر. تهران: سنایی.
- نیساری، سلیم (۱۳۸۰). نسخه‌های خطی حافظ (سده نهم). شیراز: مرکز حافظ‌شناسی.

#### منابع خطی

- ابرقوهی، ابن معین. فردوس التواریخ، ج ۳. میکروفیلم کتابخانه مینوی، ش ۱۲۷، مورخ ۸۰۸ ق.
- امیرخسرو دهلوی. دیوان. کتابخانه اسعد افندی، ش ۲۶۲۹، مورخ ۸۹۵ ق، به کتابت احمد غیزانی.

- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه میسیگان آمریکا، ش 313 Ms. Isl.، مورخ ۸۹۴ق، به خط مرشدالدین بن صدرالدین المذهب.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه دانشگاه دولتی مسکو، ش ۱۶۸، مورخ ۹۱۲ق، به کتابت علی بن محمد هروی.
- \_\_\_\_\_ جنگ. کتابخانه مجلس، ش ۹۰۰، بی تا، کاتب ناشناس.
- \_\_\_\_\_ جنگ. کتابخانه مهدوی، ش ۵۸۹، مورخ ۸۲۱ق.
- \_\_\_\_\_ سلمان ساوجی. دیوان. کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۴۶۶۶، مورخ ۸۲۶ق، به خط محمد بن ابراهیم مشتهر به جوانمرد شیرازی.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۴۶۶۷، قرن نهم.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه ملی تبریز، ش ۳۶۷۶، اواخر قرن هشتم.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه ملی، ش ۱۸۲۴۹-۵، مورخ ۸۴۳ق، به خط محمد صافی.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه مرعشی، ش ۱۱۸۴۲، مورخ ۸۰۴ق.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۲۵۸۷، مورخ ۷۹۴ق.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۱۳۵۳۳، مورخ ۸۴۷ق.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۷۸۰۳، مورخ ۸۵۶ق.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۲۵۸۹، قرن نهم.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۷۴۲۰، قرن نهم.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۹۹۴، قرن نهم.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۲۵۸۸، قرن نهم، به کتابت محمد بن رامهرمزی.
- \_\_\_\_\_ دیوان. کتابخانه نورعثمانیه، ش ۴۱۹۰، مورخ ۸۴۴ق.
- \_\_\_\_\_ سیف جام هروی. مجموعه لطایف و سفینه ظرایف. کتابخانه بریتانیا، ش 4110 Or.، اوایل سده نهم.
- \_\_\_\_\_ قاسم انوار. دیوان. کتابخانه برلین، ش Ms. Or. Oct 2072، مورخ ۸۴۲ق.
- \_\_\_\_\_ مجموعه دوازده دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۲۶۵۶، مورخ ۸۳۴ق.
- \_\_\_\_\_ مجموعه سیزده رساله. کتابخانه مجلس، ش ۲۸۱، سده نهم.
- \_\_\_\_\_ مجموعه (گزیده‌ای از اشعار سلمان، حافظ، کمال خجندی و عصمت بخارایی). کتابخانه میسیگان آمریکا، ش ms.407Islamic، مورخ ۸۲۳ق، به کتابت فرصت غریب.
- \_\_\_\_\_ مجموعه (نزهة المجالس و دیوان عراقی). کتابخانه جارالله، ش ۱۶۶۷، مورخ ۷۳۱ق، به قلم اسماعیل بن اسفندیار.

اشعار سرگردان سلمان ساوجی (محسن شریفی صحی) / ۲۱۳

- مجموعه بیست دیوان. کتابخانه ایاصوفیا، ش ۳۹۴۵، مورخ ۸۱۳-۸۱۴ق، به تحریر حافظ حسن.
- مجموعه دواوین. کتابخانه ایاصوفیا، ش ۳۸۵۷، مورخ ۸۱۶ق.
- شاه نعمت الله ولی. دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۱۳۴۸۴، مورخ ۹۹۶ق.
- دیوان. کتابخانه مجلس، ش ۱۴۳۰۸، مورخ ۱۰۸۷ق، به کتابت ابراهیم الحسینی آرتیمانی.

